

ایران و چین در سطوح مختلف تصمیم ساز و تعریف نقشه راه زمان بندی شده برای اجرایی کردن تفاهم ها و توافق ها، ضرورتی مضاعف یافته است. به همین منظور، شناسایی نقاط ابهام و موانع پیش رو و تعریف سازوکارهای عملیاتی برای برطرف کردن موانع، شرط لازم برای توفیق در ترسیم همکاری راهبردی میان ایران و چین به عنوان مرکزیت سیاست یکپارچه آسیایی است. متأسفانه تداوم رژیم تحریم های ظالمانه و غیرانسانی آمریکا، در همکاری های دو کشور عملاً به مانعی جدی تبدیل شده است و درعین حال، همکاری در زمینه مهار و خنثی سازی تحریم ها می تواند یکی از نقاط همکاری ایران و چین قرار گیرد. سؤال اینجاست که تاکنون چه اقداماتی برای این منظور صورت گرفته است؟ اینک روسیه هم در سطحی وسیع و گسترده، به «باشگاه تحریمی ها» وارد شده است و احتمال مشمول تحریم شدن چین هم با تداوم روند موجود دور از ذهن نیست. ازجمله شواهد و دلایل عینی نارضایتی این کشورها از نظم آمریکایی موجود، همین رژیم تحریم هاست که صلح و امنیت جهانی را با تهدیدهای فراوان مواجه ساخته است. اتاق های فکر و اندیشکده های ایران و چین باید این موضوع را در دستور کار قرار دهند و راهکارهای مناسب برای برون رفت از این وضعیت را به منزله یک طرح مشترک جست و جو و ارائه کنند.

پرسش دیگری که در این زمینه مطرح است، این است که آیا ایران اساساً برای چین یک اولویت است؟ بدون شک، هر کشوری در چهارچوب اهداف و منافع ملی خود اولویت های سیاست و روابط خارجی اش را تعریف می کند. ما برای اینکه اولویت سیاست خارجی چین باشیم چه کرده ایم؟ چین شناسی برای تصمیم سازان و تصمیم گیران ایرانی چقدر مهم بوده است؟ طرف چینی در این زمینه، بسیار جلوتر است و مراکز مطالعاتی چین، خوراک های اولیه را پیرامون ابعاد و زوایای راهبردی همکاری میان ایران و چین فراهم کرده اند. البته نقطه ضعف مطالعات چینی ها درباره ایران، اتکای این مطالعات به منابع دست دوم غربی و نداشتن ارتباط مستقیم با همکاران ایرانی است. اینکه چین با عینک غربی ایران شناسی کند یا ایران با عینک رسانه ها و اندیشکده های غرب به چین شناسی بپردازد، نقطه ضعف روابط دو کشور است و درگام نخست باید این امر اصلاح شود.

پس از شناخت علمی و کارشناسانه متقابل، تعریف نظام مسائل روابط ایران و چین و تعیین اولویت ها گام بعدی است. ایجاد هم افزایی از طریق «هم اندیشی»، «همراهی»، «هماهنگی»، «همگرایی» و «همکاری» از لوازم اجرای الگوی مناسبی از سیاست هایی نظیر «سیاست همسایگی» در مشارکت با چین است. در اوضاع کنونی، «ابتکار یک جاده - یک کمربند» که از آغاز ریاست شی جین پینگ در دستور کار سیاست خارجی چین قرار گرفته، بهترین بستر برای تدوین یک مسیر همکاری جوانه دوجانبه به منظور تحقق یک بلوک جهانی برای سیاست آسیایی است.

ایران و ابتکار یک جاده - یک کمربند

راهبرد «راه ابریشم جدید» چین یا ابتکار «یک جاده - یک کمربند» را می توان مهم ترین طرح راهبردی توصیف کرد که شی جین پینگ ارائه کرده و در سال ۲۰۱۳ به عنوان بسته کامل سیاستی برای تحقق هدف های چین در سطوح گوناگون به اجرا گذاشته است. در نوزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین در اکتبر ۲۰۱۷ تصمیم گرفته شد تا مفهوم ابتکار یک جاده - یک کمربند در قانون اساسی چین درج شود که حاصل تعهد بالای دولت چین به اجرای این طرح است. ابتدای این راهبرد بر اهداف ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال در سه سطح ملی، منطقه ای و جهانی است. بسته سیاستی و اجرایی این طرح